



کد مقاله: O۲۶۴

مقایسه روش آموزش تلفیقی و عینی با روش نظری آموزش آناتومی مقطعی سیستم عصبی مرکزی، بر رضایتمندی دستیاران جراحی مغز و اعصاب در دانشگاه علوم پزشکی تبریز نویسنده‌گان: احمد علی قنبری، بهرام صمدی‌راد، محمدعلی اوجی
آدرس: دانشگاه علوم پزشکی تبریز

مقدمه: آشنایی با سیستم عصبی مرکزی و مقاطع آناتومیک مغز و نخاع، از ضروریات اولیه علمی برای دستیاران رشته های تخصصی جراحی اعصاب، نورولوژی و رادیولوژی است. با توجه به اینکه در آموزش نورواناتومی مقطعی (neuroanatomy Sectional) برای رزیدنتهای شاغل به تحصیل در این رشته ها کار کلاسیک و ویژه ای مبتنی بر تطبیق مقاطع تصویری با مقاطع طبیعی تهیه شده از مغز و نخاع بصورت عینی و عملی انجام نشده است، تصمیم گرفته شد تا این درس، با دو روش آموزش نظری و همچنین روش تلفیقی، برای دو گروه جداگانه از رزیدنتهای جراحی مغز و اعصاب بیمارستان امام رضا (ع) تبریز آموزش داده شود و نتیجه حاصله در تأمین رضایت آموزش گیرندگان، با یکدیگر مقایسه گردد.

روش مطالعه: رزیدنتهای سال اول جراحی اعصاب بیمارستان امام رضا (ع) تبریز، در دو دوره آموزشی، بصورت دو گروه ۵ نفره تقسیم گردیدند. در گروه اول، آناتومی مقطعی سیستم عصبی، بصورت نظری و در گروه دوم، به روش تلفیقی «آموزش نظری همراه با تطبیق کلیشه‌های روتین سی تی اسکن و ام آر آی با مقاطع طبیعی مغز و نخاع» آموزش داده شد و در پایان، در مورد تأثیر این دو روش آموزشی بر یاد آوری اجزاء آناتومیک سیستم عصبی، هنگام مطالعه تصاویر کلیشه‌های تشخیص پزشکی، نظر خواهی بعمل آمد.

یافته‌ها: هر دو گروه آموزش گیرنده، گذراندن کلاس اولیه آناتومی مقطعی را برای فهم آسانتر دروس مربوط به رشته تخصصی خود مفید و لازم دانستند. گروه دوم (آموزش گیرندگان روش تلفیقی)، مشاهده عینی و عملی در سالن تشریح و مقایسه همزمان تصاویر فیلمهای تشخیصی با مقاطع مشابه تهیه شده از مغز و نخاع را کمک بسیار مؤثری در بازیابی اجزاء آناتومیک، در کلیشه‌های تصویری و تشخیص ضایعات عصبی بیان کردند.

بحث و نتیجه‌گیری: آشنایی با نورواناتومی مقطعی، برای جراحان مغز و اعصاب، نورولوژی، رادیولوژی و همچنین دستیاران شاغل به تحصیل در این رشته‌ها، در مطالعه تصاویر تشخیص پزشکی، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. مطالعه انجام شده

کد مقاله: O۲۶۳

بررسی مقایسه‌ای مهارتهای تفکر انتقادی دانشجویان سال اول و آخر مقطع کارشناسی رشته پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل
نویسنده‌گان: مهراناز مشعوفی، آسیه موحدپور، سهیلا رفاهی، ملاح احمدی، افشان شرقی

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

مقدمه: قرن بیست و یکم دوران تغییرات مداوم و سریع در عرصه مراقبت از مددجویان است. به منظور همگام شدن با این تغییرات است، که کارکنان تیم بهداشتی درمانی به ویژه پرستاران بایستی توانائی اندیشیدن به شیوه انتقادی را دارا باشند و این امر میسر نمی‌گردد، مگر اینکه از آغاز یعنی از بدو تحصیل در رشته پرستاری مهارتهای تفکر انتقادی خویش را تقویت نموده و ارتقاء بخشند. بر همین اساس در این مطالعه بر آن شدیم که میزان مهارتهای تفکر انتقادی را در دانشجویان سال اول و آخر پرستاری بررسی نماییم، تا به میزان رشد این مهارتها پی ببریم.

روش مطالعه: این پژوهش یک مطالعه توصیفی است که در آن با استفاده از فرم B آزمون مهارتهای تفکر انتقادی کالیفرنیا (CCTST) میزان مهارتهای تفکر انتقادی (بر اساس ویژگی آنالیز و ارزشیابی) در ۵۹ دانشجوی سال اول و ۶۴ دانشجوی سال آخر رشته پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل بررسی گردید. پرسشنامه محتوی ۳۴ سوال، به صورت هر پاسخ صحیح یک نمره بود، که نمره هر دانشجو در نهایت مشخص گردید. سپس با بهره‌گیری از نرم افزار SPSS، نتایج در قالب جداول آماری و آزمون‌های t-test و کای دو بیان گردید.

یافته‌ها: نتایج این مطالعه نشانگر آن بود که تفاوت معنی داری بین میزان مهارتهای تفکر انتقادی دانشجویان سال اول و آخر پرستاری وجود نداشت و میانگین نمره در هر دو گروه برابر و حدود ۱۱ بوده است. همچنین بین قدرت آنالیز و ارزشیابی دانشجویان مورد مطالعه تفاوت معنی داری وجود نداشت. میانگین قدرت آنالیز در دو گروه به ترتیب ۲/۳ و ۲/۴ و ارزشیابی ۴/۵ و ۴/۸ بود.

بحث و نتیجه‌گیری: از آنجا که میزان مهارتهای تفکر انتقادی در دانشجویان سال اول و آخر پرستاری یکسان بوده، به نظر می‌رسد که آموزش این دانشجویان در طول تحصیل موجب توسعه و ارتقاء این مهارتها در آنان نگردیده است. لذا توجه اساتید این رشته در امر آموزش فراگیران، به گونه‌ای که منجر به کسب این مهارتها در سطوح بالای یادگیری گردد ضروری بنظر می‌رسد.